

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهم
از آن به که کشور به دشمن دهم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

استاد محمد نسیم "اسیر"

28 می 2012

بشر امروز!!!

این شعر باستقبال از شعر معروف « این چه شوریست که در دور قمر میبینم » که میگویند از حضرت لسان الغیب حافظ شیرازی ست، سروده شده است. در دیوان کامل حضرت حافظ که باهتمام آقایان محمد قزوینی و داکتر قاسم غنی به سرمایه کتابخانه زوار، در تهران چاپ شده است، این شعر و تعداد دیگر از اشعاری که در چاپهای هندوستان شامل میباشند، وجود ندارد:

من که با چشم بصیرت به بشر میبینم	هرچه میبینم، ازو فتنه و شر میبینم
ثابت اینست که سیاره نحسی زده سر	که جهان جمله، مواجه به خطر میبینم
شرق با غرب دگر دست مودت ندهد	پای آرامش ازین صحنه بدر میبینم
سودها میطلبند هر که ز گردون، اما	همه را تا به گلو، غرق ضرر میبینم
مشکل اینست که آسان نشود رنج حیات	وضع امروز، ز دیروز بتر میبینم
پسران از پدران، یا پدران از پسران	دستگیری نکنند، هرچقدر میبینم
دیده ها را همه در راه حقیقت شده کور	گوشها را همه یکجا شده کر میبینم
به زمین دانه ای از مهر نیفشانده، مگر	همه را مست سفر سوی قمر میبینم
آدم از علم کند مشق تباهی به جهان	چه عجب بیخبری ها که به خر میبینم
سگ نفس من و تو باز نایستد ز تلاش	سگ مردم به فلک ها شده بر میبینم

تو ز من میطلبی قوت پرواز «اسیر»

من به بازوی ز هم ریخته پر میبینم

(م. نسیم « اسیر » - کابل عزیز، 22 جدی 1336 ش)